

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۴، شماره ۱
بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۸۸-۶۹

عاشیق‌های آذربایجان در گذر تاریخ

مریم صبری -

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۳

چکیده

ادبیات شفاهی ملت‌ها دارای تاریخ بسیار قدیمی و وارث آفرینشی خردمندانه است که در زمان‌های بسیار دور همراه با کار و فعالیت‌های انسان‌ها شروع شده و به تدریج تکوین پیدا کرده است. موسیقی یکی از ارکان مهم فولکلور به شمار می‌رود. مطالعه موسیقی جوامع (قومیت‌ها) به عنوان، مطالعه موسیقی در زمینه اجتماعی و فرهنگی تعریف شده است، در این معنا این دانش ترکیبی از انسان‌شناسی و موسیقی‌شناسی است. در آذربایجان هنر موسیقی مردمی به موسیقی عاشیقی معروف است که جایگاه والایی در ادبیات شفاهی و فرهنگ این منطقه دارد و سرشار از معنویت است. عاشیق‌ها به معنایی کامل‌ترین هنرمندان آذربایجان هستند که توان خلق، تولید و اجرای هنرشان را توأمان دارند. این مقاله در تلاش است نشان دهد که شکل‌گیری و زایش هنر عاشیقی در منطقه آذربایجان با باورهای مردم، همساز و هماهنگ شده است و با سایر ساخت‌های اجتماعی جامعه همراهی می‌کند. پژوهشگر برای دستیابی به این هدف از روش‌های کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کیفی استفاده کرده است.

کلیدواژه‌گان: اشعار عاشیقی، عاشیق، قوپوز (ساز)، موسیقی‌شناسی قومی، انسان‌شناسی موسیقی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه و بیان مسئله

بر اساس کتیبه‌های سومر هر بامداد و شامگاه در برابر اینشوشیناک در دوران فرمانروایی یوزور انشوشیناک فرمانروای شوش (سده ۲۷۰ پ. م) موسیقی اجرا می‌شد یا بر اساس گفته هردوت مغ‌ها در دوره هخامنشی نیایش‌های مذهبی خود را با نام آهنگ می‌خوانده‌اند. می‌توان به اوستا اشاره کرد که در آن گات‌ها به معنی نیایش و یشت‌ها مجموعه‌ای از ستایش‌های آهنگین است (رفیعی، ۱۳۸۷: ۲۶۵).

پژوهشگران موسیقی در ارائه تعریف واحد برای موسیقی محلی اتفاق نظر ندارند، برخی آن را معادل موسیقی عامیانه، فولکلوریک، بومی، مردمی و توده دانسته‌اند (وجدانی، ۱۳۷۶: ۷۱۴). موسیقی محلی رنگ و شکل مخصوص محلی دارد. از ویژگی‌های آن، روانی، سادگی و یک‌صدایی بودن آهنگ‌ها است که سینه‌به‌سینه محفوظ مانده‌اند و سازنده مشخصی ندارند و بیشتر ساخته زبان مردم روستایی هستند (ستایشگر، ۱۳۷۵: ۴۶). موسیقی محلی ساده و دل‌نشین است و در اکثر کشورها اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد (وجدانی، ۱۳۷۶: ۷۱۳ به نقل از خالقی). ادبیات شفاهی دربرگیرنده زندگی اجتماعی مردم، معیشت، آداب و رسوم، ذوق و زیبایی‌شناسی جوامع است. برای درک حوادث مهم تاریخی در دوره‌های مختلف، چگونگی تکامل ادراک و تفکرات خلق، مبارزات رهایی‌بخش و آزادی‌خواهانه مردم و ... شناخت گونه‌های فولکلوریک دارای اهمیت علمی و ادبی و تاریخی خاصی است (مارکس و دیگران، ۱۳۵۹: ۸). صادق هدایت، ترانه‌ها، مثل‌ها و افسانه‌ها را نماینده روح ملت می‌داند و آنها را نشأت‌گرفته از مردم گمنام بی‌سواد می‌داند (پناهی سمنانی، ۱۳۸۳: ۲۳).

فولکلور آذربایجان جنبه‌های گوناگونی از فرایندهای اجتماعی، تاریخی و آداب و رسوم مردم آذربایجان را در خود منعکس می‌سازد. یکی از شاخه‌های مهم فولکلوریک هنر عاشیقی است که جامع چندین هنر مهم از جمله شاعری، آهنگ‌سازی، داستان‌گویی، نوازندگی، خوانندگی، بازیگری و لطیفه‌گویی است. عاشیق زاینده بطن اجتماع و سخنگوی جامعه است. او به همراه ساز خود در محافل و مجالس و قهوه‌خانه‌ها داستان‌های فولکلوریک را با آهنگ مخصوص می‌خواند. داستان‌های عاشیق‌های آذربایجان را باید در مجموع در دو گونه ویژه جای داد: ۱) داستان‌های حماسی همچون دده قورقود، کوراوغلو، قاجاق نبی، شاه صنم ختایی و... که به ایگیدلیک دستانی (داستان‌های قهرمانی) معروف‌اند و ۲) داستان‌های غنائی همانند اصلی و کرم، عاشیق غریب و شاه صنم، عباس و گولگز که به محبت دستانی شهرت دارند (رسول‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۸۲-۱۸۱؛ فیض‌الهی، ۱۳۶۹: ۶).

تاریخ شکل‌گیری و زایش هنر عاشیقی را نمی‌توان دقیقاً مشخص کرد اما به نوعی می‌توان قدمت هنر عاشیقی را با حیات و زندگی قوم ترک همسان پنداشت. هنر عاشیقی در بستر رشد تاریخی خود با باورهای اقوام کهن، هماهنگ شده و با ساخت‌های اجتماعی آنان همراهی کرده است و در نهایت منجر به ایجاد هنری با ابعاد گسترده‌ای از شعر، موسیقی، کلام و رقص گروهی شده و بعدها نام عاشیقی را به خود گرفته است. امروزه اسنادی از نقش موسیقی اولیه در بین اقوام کهن ترک در برخی از پرستشگاه‌ها، عبادتگاه‌ها و لوح‌های

تاریخی شناسایی شده است. بر اساس یافته‌ها بعد از شامان‌ها و امپراتوری هان‌ها^۱ راوی داستان‌های کهن ترکان، پیری است که با هنر عاشیق بیگانه نیست (زاهدی، ۱۳۹۰). در دوره‌های بعد عاشیقی با ویژگی‌های خاصش وارد میفولوزی و حماسه‌ها شده است که نمونه آن کوراخلو قهرمان افسانه‌ها است که ساز عاشیقی‌اش همیشه در مفر و مبارزه همراهش است. محمدحسن طهماسب ادبیات‌شناس معاصر معتقد است عاشیق از کلمه عشق عربی گرفته شده و در تطبیق با موازین زبان‌شناسی ترکی آذربایجانی تغییر یافته و نام عمومی آواز و سرودخوانان دوره‌گرد آذربایجان شده است (حسینی نثار، ۱۳۷۹: ۶۲).

”عاشق‌ها که می‌شود گفت نوازندگان بومی و قدیمی آذربایجان و اغلب نیز خودشان ذوقی هستند و شعری سروده و می‌خواندند عمده گروه موسیقی‌دانان ملی بودند که متأسفانه حالیه از بین رفته و علاقه‌مندان آنها هم در حال اضمحلال می‌باشند“ (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

این موضوع که اوزان‌ها در میان مردم دارای چه مقامی بوده‌اند؟ شأن و مقام آنها در بین مردم عادی بر چه اساسی رتبه‌بندی می‌شده است؟ نقش عاشیق‌ها در حفظ و انتقال ادبیات عامیانه به نسل‌های آینده چگونه است؟ انواع شعر عاشیقی و مضامین اشعار این هنرمندان چیست؟ همگی سؤالاتی هستند که پاسخ‌گویی به آنها با شناخت ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری و اشاعه هنر عاشیقی در جامعه آذربایجان ممکن است.

چارچوب نظری

انسان‌شناسان تا دهه ۱۹۲۰ به کارکرد و نقش موسیقی در جامعه توجه داشتند. از ۱۹۵۰ شکل جدیدی از موسیقی‌شناسی به نام موسیقی‌شناسی اقوام شکل گرفت که به فرهنگ‌های غیرغربی توجه ویژه‌ای نشان می‌داد. فعالان این حوزه در تحقیقات خود مجذوب این امر شدند که چرا موسیقی در تمام فعالیت‌های زندگی برخی از اقوام و فرهنگ‌ها از قبیل: مبارزات، بازی‌ها، کار و فعالیت، آداب و رسوم، مناسک و نظایر آن وجود دارد. در کشورهای صنعتی، موسیقی می‌تواند به مردم در شکل‌دهی ایده‌های جدید، هویت‌یابی، رهایی از سرگشتگی و ایجاد دوستی کمک کند. موسیقی همچنین می‌تواند الهام‌بخش تغییر باشد و به توسعه اجتماعی یاری رساند (فاطمی، ۱۳۷۸: ۱۴۳).

آلن پی مریام موسیقی‌شناس قومی برای اول بار نظریه کارکرد موسیقی در جامعه را مطرح کرد. او در کتاب خودش یک الگوی سه‌گانه برای مطالعه موسیقی در چارچوب فرهنگ را ارائه داد: (۱) مفهوم‌سازی درباره موسیقی، (۲) رفتارهای مرتبط با موسیقی و (۳) صدای موسیقی. در مطالعات بعدی، مریام این الگو را از مفهوم اولیه مطالعه موسیقی در فرهنگ به موسیقی همانند فرهنگ اصلاح کرد (همان: ۱۴۴). بر این اساس او اهداف

^۱ Huns

کارکردهایی را برای موسیقی در نظام‌های اجتماعی بیان کرده است که عبارت‌اند از: (۱) بیان احساس، (۲) لذت از زیبایی، (۳) تفریح و سرگرمی، (۴) بیان و نمایش نمادین، (۵) پاسخ عینی، (۶) تقویت هم‌نوایی با هنجارها، (۷) تائید و تنفیذ نهادهای اجتماعی و مناسک دینی، (۸) کمک و حمایت تداوم و ثبات فرهنگ و (۹) کمک به همگرایی و یکپارچگی اجتماعی (همان: ۱۴۹). موسیقی‌شناسان سه اصل کلی داروین را در مورد موسیقی و آواز این‌گونه به کار می‌گرفتند:

- (۱) یک آواز یا قطعه موسیقی در یک فرهنگ ممکن است تنوع بسیاری داشته باشد.
- (۲) این تنوع موسیقی و آوازه‌ها در فراگرد زمان به حیات خود ادامه می‌دهند.
- (۳) ذهنیت فرهنگی هر قوم در هر زمان نمونه خاصی از موسیقی و آوازه‌ها را انتخاب می‌کند (حجاریان: ۱۳۸۷، ص ۲۶۰) با توجه به این دیدگاه در طول زمان هر فرهنگ مقداری از موسیقی‌های دلخواه را دست‌چین می‌کند و به نسل بعد تحویل می‌دهد و این مسئله باعث رشد کیفی و سیر مراحل تکامل در موسیقی می‌گردد (حجاریان، ۱۳۸۷: ۲۶۰).

روش پژوهش

در تحقیق حاضر از روش تحقیق کیفی شامل روش تحلیل محتوای کیفی و اسنادی - کتابخانه‌ای بهره برده‌ایم، روشی که با به‌کارگیری فنون مختلف، به تحلیل نظام‌مند متون می‌پردازد (سپانگل و دیگران^۱، ۲۰۰۵).

ساروخانی تحقیقات فولکلورشناختی را نیازمند پژوهش‌های کیفی می‌داند چرا که این نوع مطالعات نمادین، توأم با نشانه‌ها و معنی ساز و معنی‌دار است (۱۳۸۶: ۱۱). روش تحقیق کیفی با مطالعات زمینه‌های فرهنگی سنخیت بیشتری دارد، زیرا با نظام ارزشی، ساختار ذهنیت‌ها و باورها مرتبط است و برای درک مفاهیم فرهنگی که نیاز به درک محتوای کلامی و رفتاری دارد، مناسب‌تر است (استراس و کوربین، ۱۳۸۵). بنابراین جهت بررسی سیر تاریخی پیدایش عاشیقی‌ها از اسناد و کتاب‌ها و همچنین به منظور شناسایی اشعار عاشیقی از نظر معانی و مضمون از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است.

رویکرد تاریخی به هنر عاشیقی

اجرای موسیقی عاشیقی قدمتی طولانی در بین اقوام ترک دارد، به طوری که به تصریح مطالعات تاریخی، ۲۲۵۰ سال قبل از میلاد، در معبد مخصوص اینشوسیناک (پادشاه ایلام) شامان‌ها با موسیقی مخصوص برنامه اجرا کرده‌اند. مراسم عزاداری برای آتیلا پادشاه‌هان‌ها را قام‌ها یا شامان‌ها ترتیب داده‌اند و هنوز آثاری از مرثیه‌ها و شعرهای ساخته‌شده توسط شامان‌ها برای مرگ آلپ ارتونقا وجود دارد که ۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، خاقانی قوم ترک را بر عهده داشت. منظومه‌های عاشیقی پیش از اسلام که آثاری از آنها برجای مانده

^۱ Spannagel etal

شامل منظومه‌های شعر، آلب ارتونقا، اوغوزنامه کوچ، ارکنه قون و منظومه آفرینش هستند. نشانه‌هایی از این آثار در دیوان اللغات ترک محمود کاشغری و داستان‌های ۱۲ گانه کتاب ارزشمند دده قورقود یافت می‌شود. در موزه ایران باستان در تهران و موزه لوور در قسمت تاریخ ایلام به مجسمه‌های کوچک نوازندگانی با قدمت دو هزار سال پیش از میلاد برمی‌خوریم که همچون عاشیق‌های معاصر سرپا ایستاده و ساز خود را بر روی سینه نگاه داشته‌اند (شاهنقی، ۱۳۸۰: ۹۲).

عاشیق‌ها پیش و بعد از اسلام در میان مردم از جایگاه والایی برخوردار بوده‌اند. عاشیق‌ها با پذیرفتن اسلام، هنر و استعداد خویش را در راه گسترش آن به کار گرفتند. عاشیق‌ها آغ ساققال^۱ به معنی ریش‌سفید و مورد اعتماد مردم بودند. آنها شیفته حق و عارفانی بوده‌اند که مردم را به حق دعوت می‌کردند و با شعرها و آهنگ‌های خود، مردم را در غلبه بر مشکلات یاری می‌رساندند (محمدی، ۱۳۷۶: ۶۶). عاشیق‌ها در دوره اسلامی به خصوص دوره نسیمی^۲ به عنوان کانون ادبیات آذربایجانی نقش اساسی ایفا کرده‌اند (شاهنقی، ۱۳۸۳: ۱۳۸-۱۳۹).

این هنر همچنان در ایران، ترکیه، جمهوری‌های شوروی سابق زنده و پویا باقی مانده است، حتی برخی از اقوام غیرترک نیز به هنر عاشیقی روی آورده‌اند به طوری که نمونه‌هایی از آن را در میان گرجیان و ارمنیان می‌توان مشاهده کرد.

پیشینه واژه عاشیق

کهن‌ترین سند مکتوب در زمینه عاشیق کتاب دده قورقود است که واژه اوزان در آن آمده است. درویشی می‌گوید: آنچه به ظاهر از واژه عاشیق دریافت می‌شود این است که از عشق و عشقه عربی مشتق شده است. درحالی‌که برابر برخی بررسی‌های آغازین چنین نیست. اشو و اشا در زبان اوستایی به معنی مقدس است، چنان‌که اغلب، نام زرتشت را به صورت اشو زرتشت به کار می‌برند. اشک و اشوک که نام همگانی پادشاهان اشکانی بود نیز احتمالاً از همین ریشه و به معنی مقدس بوده است. اوزان‌ها نیاکان عاشیق‌های آذری، عاشیق‌های ارمنی و بخشی‌های ترکمن هستند. از مقدمه و موخره جفری لوئیس بر دده قورقود چنین استنباط می‌شود که اوزان را به معنی مقدس و آن را در معنی و شان با عاشیق یکی دانسته‌اند. نکته مهم برای زبان‌شناسان ردیابی واژه اوزان، اوسان، اوسته و افسانه است. زیرا اوزان‌ها روایتگر افسانه‌ها و اسطوره‌های گذشته بوده‌اند. پس می‌توان چنین پنداشت که واژه عاشیق ارتباطی با واژه عشق و عشقه عربی ندارد (درویشی: ۱۳۷۸).

طهماسب در جایی عاشیق را از آشیلماق به معنی فکر یا مقصد خود را به دیگران تلقین کردن می‌داند و در جای دیگری می‌گوید از کلمه عشق عربی گرفته شده و منطبق با

^۱ ägsäggäl

^۲ نسیمی، زبان برنده و پرچمدار تبلیغات حرفی‌گری به سرپرستی فضل اله نعیمی بود چون سوم شخص و مبلغ اصلی این عرفان بود به سید عمادالدین نسیمی معروف گردید. از شعار حرفی‌گری گفتن ان الحق است که منصور حلاجی نیز به همین مناسبت از طرف روحانیان به دار آویخته شد و نسیمی را پوست از بدن کنند.

موازین زبان‌شناسی آذری تغییر یافته و نام عمومی خنیاگران دوره‌گرد آذربایجان شده است (حسینی نثار، ۱۳۷۹: ۶۲). نغمه‌های عاشیقی اکنون هاوا خوانده می‌شوند. موسیقی عاشیقی در سه مقام سه گاه، ماهور و شور اجرا می‌شود. نویسندگان محلی کلمه آشیق را عربی نمی‌دانند و به شکل عاشیق نمی‌نویسند بلکه آشیق را به معنای روشنایی و حل کردن مشکلات تعبیر می‌کنند که از واژه ایشیق یعنی روشنایی و آچماق یا آشماق گرفته شده است و به معنی باز کردن و گره‌گشایی از مشکلات است. اوزان، یانشاق، وارساق، دده و آشیق در موازات هم هستند. بعضی عاشیق را برگرفته از کلمه ترکی ایشیق^۱ می‌دانند که به مفهوم نور و روشنایی است (ویشلقی، ۱۳۸۶: ۱۴۸). در داستان پهلوانی کوراغلو آمده است:

کوراغلو دئرمین عاشیقام کوراغلو می‌گوید: من عاشیقم
عاشیق دئیلییم، ایشیقام عاشیق نه، که ایشیق (نور و روشنایی)
(سفیدگر، ۱۳۸۰: ۹۳)

تاریخ شعر عاشیقی از اواخر قرن نهم هجری پس از شاه اسماعیل ختایی آغاز می‌شود. نخستین عاشیق که دیوان او به جای مانده است عاشیق قوریانی است.

”ریشه‌های رستاخیز ادبیات عاشیقی به دوره حکومت صد ساله قره‌قویونلوها در آذربایجان و اسکان و جوشیدن کامل ترکان در این سرزمین برمی‌گردد. این خنیاگران، قوپوز به دست، ایل به ایل و اوبه به اوبه می‌گشتند و مردم را در حل دشواری‌های زندگی یاری می‌نمودند. در کتاب دده قورقود اوزان، نام خنیاگر دوره‌گردی است که حماسه می‌سراید و دده قورقود خود یک اوزان است. سرمنشاء ادبیات ترکی نیز مانند خود ترک‌ها، آسیای میانه است. نخستین، آثار و نشانه‌های آن پیش از مسیح عبارت است سروده‌های ستایشی که در بیان گروه‌های گوناگون ترکان از سوی کاهنان کهن مانند شامان، قام‌ها، تویون‌ها^۲، باکسی‌ها^۳، اوزان‌ها سروده می‌شده است. در کتیبه‌های ۵۲ گانه دشت اورخون^۴ نیز که به زبان ترکی باستان و با الفبای اورخونی بر جای مانده‌اند به ویژه در میان مطالبی که بیلگه قاغان و تان یوقوق نقرحک کرده‌اند به نمونه‌های بدیع شعر عاشیقی برمی‌خوریم“ (صدیق، ۱۳۸۶: ۳۹).

برخی اوزان را شعری که زمان معینی ندارد معنا کرده‌اند و برخی آن را نوعی آلت موسیقی دانسته‌اند که در زمان حرکت و جلوس شاهان و امرا نواخته می‌شده است. اوزان‌ها در بین اقوام مختلف چون اوغوزها، قرقیزها، ازبکها و اقوام ساکن آناتولی ترکمن‌ها استفاده می‌شد (بهتراد، ۱۳۸۷: ۱۲۴). کلمه عاشیق نخستین بار در قرن پنجم در ادبیات ظاهر شد

¹ Isig
² Toyon
³ orkhon
⁴ Baksi

پیش از آن چنین خنیاگرانی را از ن می‌خواندند (آلبرایت، ۱۳۸۴: ۱۶۵).

اگر شامان‌ها را اجداد نخستین عاشیق‌ها بدانیم، نقش عاشیق در جایگاه شامان مراقبت از قبیله در مقابل نیروهای خبیث بوده است. او با هنر جادویی کلام، موسیقی و حرکت‌های موزون نیروهای طبیعی را تسخیر و با ارواح ارتباط برقرار می‌کرده، بیماری‌ها را با نیروی ویژه‌اش شفا می‌داده و بلایای طبیعی را دور می‌کرده است. دده قورقود در داستان‌های کتاب شخصیتی پیغمبرگونه دارد، عمرش بیش از عمر یک انسان معمولی است و از حکمت دنیا و ماوراءالطبیعه باخبر است، قهرمانان از او نام می‌گیرند و مردم عادی از پندهای فیلسوفانه‌اش برای سؤالات بنیادین راجع به مرگ، زندگی، عشق و... پاسخ می‌گیرند. روند تکاملی عاشیق و ساز را از داستان‌های حماسی مانند کوراوغلو و یا از داستان‌های عاشقانه مثل اصلی - کرم می‌توان دنبال کرد. گر چه تاریخ شکل‌گیری این داستان‌ها مشخص نیست و عناصر اساطیری در جای‌جای داستان‌ها مشخص است اما به طور کلی روایت معاصر این داستان‌ها مربوط به مناسبت‌های دوران فئودالی است. عاشیق در داستان‌ها نقشی اساسی در مبارزات مردم علیه اربابان دارد. هنر عاشیقی تنها در یک دوره زمانی خاص از شکل مردمی خود بیرون می‌آید و آن زمانی است که شاه اسماعیل که خود نیز شعر می‌سرود، عاشیق‌ها را به مانند مریدان مذهبی به دربارش راه می‌دهد، چهارصد عاشیق معروف آن زمان و در رأس آنها عاشیق قربانی نقش مشوق‌های سپاهیان شاه اسماعیل صفوی قبل از جنگ را بر عهده می‌گیرند. آنها همچنین مراسم شادی و عزاداری حکومتی در دربار صفوی را برگزار می‌کنند. در این دوران و پس از آن عقاید مذهبی اسلامی با ادبیات عاشیق‌ها آمیخته می‌شود (فرزانه، ۱۳۸۷: ۵۶). عاشیق هنرمندی آگاه و عالم به مسائل دینی، پاک‌دامن و مورد احترام همه مردم است که در غم‌ها و شادی‌های آنها شریک است و عروسی‌ها بی‌وجود او رونقی ندارد (شاه‌نقی، ۱۳۸۰: ۹۳-۹۲).

در تاریخ به عاشیق‌ها، علاوه بر اوزان، وارساق و یانشاق نیز اطلاق شده است. به هنرمندترین و شایسته‌ترینشان که به لحاظ معنوی نیز ارج و قرب داشته است، دده^۱ می‌گفتند. عاشیق‌ها در گذشته با گذراندن مراحل مختلف، به مقام عاشیق لیق به معنای حق عاشیقی می‌رسیدند. آخرین مقام در طریقت عاشیق‌ها دده لیک^۲ است. دده قورقود، دده عباس، دده قاسم (قرن ۱۳ هجری)، توراب دده (قرن ۱۲ قمری)، دده یادیار (قرن ۱۰ قمری) و کرم دده از عاشیق‌هایی هستند به مقام والای دده لیک رسیده و در عصر خودشان یکی از قطب‌های عروج به کمال و معرفت شده‌اند (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۵). عاشیق عزیز شهنازی یکی از استادان متاخر عاشیقی، عاشیق را چنین معرفی می‌کند:

عاشیق باید عارف باشد و راز آشنا	عاشیق گره ک عارف اول، سوزقانا
در علم و دانش دریای عمان	بیلیکده بنزه یه بحر عمانا

^۱ dada

^۲ dadalik

باشد
اول به ارکان دین و شریعت
و طریقت
اگر آگاهی پیدا کردی راه
طریق پیدا و از آن بحث کن

طریقت له، شریعت له، ارکانا
وارد اولسان، آختار یول، اوندان دانیش

او در شعر دیگری ضمن شکوه و گلایه از کسانی که عاشیق را مورد اذیت قرار می‌دهند، به توصیف و تحلیل شخصیت عاشیق می‌پردازد:

سویله گناهینی بیلک قارداشیم
گناهش را بگو ما هم بدانیم،
برادر
چاپیپ تالا ییبیدی، هارانی عاشیق؟
عاشیق کجا را غارت کرده است؟
سوروبدو قانینی هانسی کاسبین
خون کدام بیچاره و فقیر را
مکیده؟
و روبدو دئه کیمه یارانی عاشیق
و چه کسی را مجروح ساخته
است؟
آلماییب ظلم ایله مالین فقیرن
مال هیچ فقیری را به ظلم
نگرفته؟

قوپوز یا چوگور ساز اصیل آذربایجانی

قوپوز^۱ ساز اولیه اوزان‌ها^۲ در محافظت از فولکلور، آداب و رسوم و داستان‌های اساطیری قوم ترک و ایجاد فرهنگ نقش بزرگی داشته است. تعداد آهنگ‌های ایجادشده به وسیله عاشیق‌های استاد را ۷۲ و ۷۳ آهنگ ذکر کرده‌اند که در دوران معاصر با تأثیر و تاثر از گسترش انواع موسیقی و آلت‌های موسیقایی تعداد این آهنگ‌ها به ۱۴۰ مورد رسیده است. به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران، موسیقی آذربایجان به پنج بخش عمده زیر تقسیم می‌شود:

- (۱) عاشیق‌ها یا عاشیق‌لار^۳
- (۲) ترانه‌های ملی و مقام‌ها (خلق ماهنیلاری و موغاملاری)
- (۳) موسیقی عزا و مذهبی (تعزیه موسیقی سی)
- (۴) موسیقی کار و تلاش روزانه (امکسا ماهنیلاری)
- (۵) موسیقی عروسی و حرکات موزون (توی اویون موسیقی سی) (قلی‌زاده، ۱۳۹۰:

(۱۱۵).

^۱ gopuz

^۲ اوزان از سرزمینی دیگر و از سوی امیرزاده‌ای به پیش امیرزاده‌ای دیگر می‌رود و قوپوز (qopuz) ساز دسته بلندش را همراه می‌برد. او سخی را از دنی باز می‌شناسد بگذار آن کسی که برایت می‌نوازد و می‌خواند یک اوزان باشد (لوتیس، ۱۳۷۹: ۲۵)

^۳ āşıqlar

کامیل اوستاد لارین گولدن در مه سن	اگر از گلشن علم استادان گلی نچینی
حقیقتی سینه ن اوسته سرمه سن	اگر حقیقت را به قلب خود راه ندهی
۷۳ هاو دان خیر وئرمه سن	اگر از ۷۳ آهنگ آگاه نباشی
اولوم یئی دیر سنه ائل قابا غیندا	در مقابل مردم، مرگ بهتر است (سفیدگر، ۱۳۸۰: ۹۳-۹۲)

هر عاشیقی ساز خود را هماهنگ با تن صدای خود کوک می‌کند، به این صورت که اگر صدایش زیر باشد آن را زیر و اگر بم باشد آن را بم کوک می‌کند (فاطمی ۱۳۷۸: ۱۴۴).

شعر عاشیقی

هنر عاشیقی از گونه‌های ادبیات شفاهی مردم آذربایجان محسوب می‌شود. در شعر و داستان عاشیقی به وفور به رسوم، شیوه‌های زندگی، تلاش، مردم‌داری، خواسته‌ها و آرزوها، علایق، دوری از دنیاگرایی، مردم‌داری، مردانگی، انسان‌دوستی، مبارزه با ظلم، حق‌خواهی و عدالت‌جویی بر می‌خوریم.

جدول ۱: معروف‌ترین عاشیق‌ها از ابتدای شکل‌گیری این صنعت

نام عاشیق	دوره تاریخی	محل زندگی	مضمون اشعار
عاشیق دیرلی قربان	دوره صفوی، هم دوره شاه اسماعیل خطایی (آغاز نهضت ادبی شاه خطایی)	محل تبریز	شعرهای عاشیق قربانی مملو از مسائل اجتماعی، اخلاقی و مذهبی و انتقادهایی از فرمانروایان است.
عاشیق عباس توفارقانلی	دوره صفوی هم عصر با شاه عباس صفوی	دهکده توفارقان، آذربایجان شرقی	منظومه عباس و گولگز از داستان‌های منظوم ادبیات عاشیقی است. در این منظومه مبارزه و ستیز عاشیق عباس، سجایای نیک مردم، دفاع از منافع ستم‌دیدگان، استقامت و صداقت توده‌های مردم روایت شده است.
ساری عاشیق یا غریب عاشیق	قرن ۱۱ هجری	محل قارداغ	مشهور با بایاتی‌هایش است. تجنیس صفت غالب بایاتی‌های او است.
خسته قاسیم	قرن ۱۲ هجری	تیکمه داش تبریز	حکایت مجادله او با عاشیق‌های داغستان ثبت شده است. موضوع اساسی شعر او غم، درد، حسرت و شکایت از ستم دوران است. اشعارش پند آموز و نصیحت‌آمیز است.
علعسگر	عصر قاجر در سال	روستای آغ	آهنگ‌های ۷۲ گانه ثبت شده را هنرمندانه

اجرا کرده و اشعار او از آداب رایج است.	کلیسا از ولایت بهار گنجر در قره باغ	۱۸۲۱	
--	---	------	--

منبع: محمدزاده صدیق، ۱۳۴۶: ۵۴۲-۵۴۹

شعر عاشیقی وابسته به صفت عاشیقی در زمان قدیم سوی^۱ خوانده می‌شد و شاعر لقب سوی چی را داشت که بعدها به قوشما تغییر نام داد. در کتاب دده قورقود با نوع اولیه شعر عاشیقی سوی مواجه می‌شویم. سوی قدیم از نظر ساختار و صنعت شعری نوعی پریشانی است یعنی شعری که وزن و قافیه منسجمی ندارد و آهنگش در اتکا به قوپوز شکل می‌گیرد. شعرها در قالب هجا انسجام می‌یابند از ۴ الی ۱۶ هجایی است و در انواع مختلف چون تصنیف، بایاتی، قوشما، دیوان و غیره سروده می‌شود.

جدول ۲: گونه‌های مختلف اشعار عاشیقی

ردیف	انواع	تعداد بندها	تعداد هجا	موضوعیت	توضیحات
۱	قوشما ^۲ پرکاربردترین و رایج‌ترین	بین ۳ تا ۷ بند به صورت بند بند، نام و تخلص شاعر در بند پایانی	هر مصراع ۱۱ هجا	صفت عاشیقی	قاضی برهان‌الدین، شاه اسماعیل خطایی، ملا واقف نباتی، ذاکر، وعاشیق پری
۲	گرایلی ^۳	۳ تا ۶ بند	۸ هجایی	مهر و محبت، تغذلی و طبیعت‌گرایی، قدیم گرایلی، کردی گرایلی، مینا گرایلی، همدان گرایلی و آرتاگرایلی	تخلص شاعر در بند آخر
۳	دیوانی ^۴	۳ بند	۱۵ هجا		
۴	مخمس ^۵ یا بشلیک	هر بند ۵ مصراع	۱۱ هجا الی ۱۶ هجا		دیوان الغات الترك محمود کاشغری و منظومه حیدر بابا شهریار
۵	تصنیف ^۶	آزاد بودن تعداد بندها آزاد مرتبط با ذوق شاعر	بین ۴ یا ۵		ملا جمعه، آلی عاشیق و آغ عاشیق

^۱ söy

^۲ قوشما Qoşma (ویشلیقی، ۱۳۸۶: ۱۵۴-۱۵۳)

^۳ گرایلی Gārāyli (وجدانی، ۱۳۷۶: ۶۱۸)

^۴ دیوانی divani (هاشم‌زاده، ۱۳۷۷: ۷۳-۷۲)

^۵ مخمس Muxammas (وجدانی، ۱۳۷۶: ۶۶)

^۶ تصنیف Tāsñif (هاشم‌زاده، ۱۳۷۷: ۷۳-۷۲)

ردیف	انواع	تعداد بندها	تعداد هجا	موضوعیت	توضیحات
۶	بایاتی ^۱	۴ مصراع دارد اساس مضمون در بیت آخر	۷ هجا	اجتماعی، دینی، قومی، فلسفی و تغزل شامل: رویایی، پندآموز، شادی، سوگ و کنایی	سازی (قرن ۱۱) انتقال شفاهی بدون سراینده خاص
۷	مستزاد ^۲ ورود از زبان فارسی	بند بند نیم‌مصرعی در پایان بند با همان قافیه			
۸	تجنیس ^۳	۵، ۳ یا ۷ بند، در نوع قوشما یا گراییلی با قافیه‌های هم‌شکل و معانی متفاوت			خسته قاسیم، عباس توفارقانلی، عاشیق علئسگر، حسین جاویدان، ملا
۹	استاد نامه ^۴	بند بند از ۳ تا ۶ یا ۷ بند	مصراع ۸ هجایی	احترام به عقل، کمال‌جویی، توجه به فلسفه و مسائل اجتماعی در قالب کلمات قصار، امثال و حکم، ضرب‌المثل‌های پندآموز	خسته قاسیم
۱۰	دئیشمه ^۵ گفتگوی دو شاعر یا دو عاشق به صورت پرسش			پرسش و پاسخ در مورد یک موضوع در مجلسی خاص	مناظره شاه اسماعیل با عرب زنگی و واله با زرنگار

نمونه‌هایی از اشعار عاشیقی

(۱) اشعاری در قالب قوشما که با رویکردی مذهبی، اخلاقی، دینی همراه است.

بیا از تو خبر بگیرم ای دنیایی که از

گل بیرسندن خبر آلیم سلیمان دان قالان دنیا

^۱ بایاتی (وجدانی، ۱۳۷۶: ۸۳-۸۲)

^۲ مستزاد Mostāzād (هاشم‌زاده، ۱۳۷۷: ۷۳-۷۲)

^۳ تجنیس Taejneis

^۴ استادنامه oustādnāmā (همان: ۷۳-۷۲)

^۵ دئیشمه deyişma (همان: ۱۰)

زمان سلیمان مانده‌ای
ازه لی گول گیمی آجیب، آخیرینداسولان دونیا
مثل گل ابدی همیشه شکوفایی، اما آخر
سر رنگ می‌بازی
بگو بینم طالب چه هستی، این درس را
دلی گونلوم نه یاتیسان، درسینی کیمدن آلیبسان
از کی یاد گرفته‌ای ای دل دیوانه
نئیچه مین یول بوشالیسان نییچه مین یول دولان دونیا چند هزار راه را ول کرده‌ای و چند هزار
راه را دور زده‌ای
خسته قاسم قالیب ناچار بوسرینی کیم لر آچار
خسته قاسم حیران مانده است که این
سر را چه کسانی باز می‌کنند
کسی که می‌آید می‌نشیند و کسی که
می‌نشیند روزی می‌رود، ای دنیای فانی
کاش رنگ ببازی
(صدیق، ۱۳۴۷: ۱۳)

۲) اشعاری در قالب گرایلی که رویکردی فرهنگی، اخلاقی، محبت دارد.

هاردا وارسا انسانلیغین
هر کجا بوی انسانیت باشد
کما لینا قربان اولوم
به کمالش فدا می‌شوم
آهیل، قانان جوانلیغین
به جوان ناپخته فداشوم
جما لینا قربان اولوم
به روی زیبایش فداشوم
هاردا وارسا اعتبارین
هر کجا اعتبار داشته باشی
وفا سی دوز اولان یارین
به یاری که با وفا باشد
حالینا قربان اولوم
فدایش می‌شوم
(عزتی، ۱۳۸۰: ۱۳۶)

۳) اشعاری در قالب بایاتی با رویکردی اجتماعی، دینی و قومی که معناهای عمیق فلسفی دارد.

”بایاتی‌ها، دوبیت‌های آذربایجان، الفاظ بی‌تکلف و روانی هستند که عشق‌ها و آرزوهای مردم آذربایجان را در محتوا و مضمون خود جای داده‌اند. هنگام خواندن بایاتی، خواننده بر حسب مضمون و آهنگ بایاتی به اقتضای ذوق و قریحه خویش اضافاتی مثل من عاشیق، آی امان عزیزیم، آی بلام را می‌افزاید“
(هاشم‌زاده، ۱۳۷۷: ۷۳-۷۲).

از خلال اشعار عاشیق‌ها می‌توان زندگی واقعی انسان‌ها و شرایط حاکم بر زندگی آنها را دریافت، زیرا در این قطعات موجز و منسجم، بینش‌های فلسفی، سیاسی، اجتماعی،

فرهنگی، تمایلات، آرزوها و آرمان‌های انسانی و نحوه تلقی آنان از انسان، جامعه، طبیعت به دقت منعکس شده است. مثلاً بایاتی‌های زیادی به مسئله خانواده اختصاص یافته و در آنها روحیه پدر سالاری حاکم بر خانواده، روابط زن و شوهری و ارتباطشان با فرزندان، چگونگی همسرگزینی، اولویت فرزند ذکور و ... منعکس شده است.

سبب سفید، سبب سرخ	آغ لما قیزیل آما
روی سینی به ترتیب قرار بگیر	نیمچه دوزول آما
با زشت اما نجیب وصلت کن	چیرکین آل نجیب اولسون
با زیبای بد اصل هرگز وصلت	بد اصیل گوزه ل آما
	نکن

(عزتی، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

۴) اشعاری در قالب تجنیس که با نگرشی عرفانی درباره عشق‌های پاک سروده

می‌شود.

از فراق عشق جسمم تبدیل به	عشق فراقینان جسمیم کول اولدو
خاکستر شد	
درد و عذاب جدایی را حس می‌کند	عذابی حس اتمزجان جانندان آیری
با قیافه شمس گونه‌ات درس نده	شمس قیافه نله تدریسن ائيله مه
جسم و جان با ظلم عمری سپری	ظالم یاشار می‌جان، جانندان آیری
می‌کند	

(عزتی، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

۵) اشعاری در قالب اوستاد نامه با رویکردی اجتماعی، اخلاقی همراه با خطاب‌های حکیمانه و موضوعات فلسفی که شاعر از آفرینش کائنات، توحید، خلقت انسان، پندهای اخلاقی سخن می‌گوید. از خصوصیات شعر عاشیقی، اندرز دادن و نیکی و خیرخواهی است.

”چنان که از نامش پیدا است، استادنامه حاوی خطابه‌های پند آموز و موضوعات اجتماعی است که اغلب در مقدمه منظومه‌های عاشیقی گنجانیده می‌شود، گاهی در استادنامه از آفرینش کائنات و خلقت انسانی سخن به میان می‌آید. عاشیق دوست مردم است به همین دلیل خواهان خیر و نیکی آنها است. در شعر استادنامه، عاشیق بازبان ساز به اندرز مردم ناآگاه می‌پردازد، تجربه‌های عینی و جهان‌بینی خاص خود را به صورت شعری که می‌توان در ادب فارسی به قطعه تعبیر کرد برای مردم می‌خواند“ (هاشم‌زاده، ۱۳۷۷: ۷۳).

یا خشی فیکیر ائيله غافل دولانما	ای انسان نیک بیندیش و با غفلت در این دنیا مگرد
قلبینی شیطانندان یاد ائيله انسان	به قلبت در خصوص شیطان تذکر بده ای انسان
حلال یاشا، بیر کیمسه دن اوتانما	اگر می خواهی از کسی شرمسار نشوی (با آنان) حلال زندگی کن
یئخما کؤنول لری شاد ائيله انسان	دل‌ها را ویران مکن، شاد کن ای انسان (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

۶) نمونه‌ای از دئیشمه بین دو عاشیق نامی آذربایجان یعنی خسته قاسم و لزگی احمد که با هدف حل اختلاف بین دو قبیله، پرهیز از جنگ و خونریزی و رقابت سالم در حضور دیگران اجرا شده است.

لزگی احمد

اونه دیرکی اوزوواردیر ذاتی یوخ	آن چیست که خودش هست اما ذاتش نیست
اونه شئی دیر دوه سی یوخ آتی یوخ اسب	آن چیست که نه شتر دارد و نه اسب
اوزون گئدر بیر تو کنمز یولووار	راه طولانی می‌رود اما تمام شدنی نیست

خسته قاسم

او کؤلگه دیر اوزو واردیر ذاتی یوخ	آن سایه است که خودش است اما در ذلت نیست
اوگون آی دیر دوه سی یوخ آتی یوخ	آن خورشید و ماه است که نه شتر دارد و نه اسب
اوزون گئدر بیر تو کنمز یولووار	راه طولانی می‌رود اما راهش تمام شدنی نیست

۷) اشعاری در قالب مخمس مبنای عارفانه در جهت عشق به پروردگار را مطرح

می‌کنند.

یوزماه منور اوله، کونلوم سنی ایستر	اگر صد ماه منور باشد، دلم تو را می‌خواهد
یوز شمس مدور اوله، کونلوم سنی ایستر	اگر صد خورشید مدور باشد، دلم تو را می‌خواهد
یوز سرو صنوبر اوله، کونلوم سنی ایستر	اگر صد درخت سرو و صنوبر باشد، دلم تو را می‌خواهد

یوز ساقی کوثر اولا، کونلوم سنی ایستر
اگر صد ساقی کوثر باشد، دلم تو را
می‌خواهد
یوز قامتی رعنا اولا، کونلوم سنی ایستر
اگر صد قامت رعنا باشد، دلم تو را
می‌خواهد
(عزتی، ۱۳۸۰: ۱۴۰)

۸) عاشیق‌ها اشعاری درباره روز قیامت با رویکردی مذهبی جهت تشویق به انجام فرایض دینی و پرهیز از اعمال زشت می‌سرایند.

صورچالینار جمع مخلوق گندر حق دیوانینا
دمی در صور دمیده
می‌شود همه مخلوقات به
دیوان حق می‌روند
کنچرلر پل صراتدان امتین آمانینا
برای رسیدن به جنت
رضوان از پل صراط
می‌گذرند
چکرلر دنیا حسابین باخارلارمیزانینا
حساب دنیا را از انسان
مطالبه می‌کنند و به اعمال
او در میزان می‌نگرند
مسکینم عفو ائت گوناهمیم آخر الزمانه باخ
مسکینم گناهیم را عفو کن
و به آخر الزمان بنگر
(حسینی نژاد، ۱۳۷۹: ۶۵)

تحلیل کارکردی مضمون اشعار عاشیقی

آلن مریام براین عقیده بود که انسان‌ها با اهداف گوناگون بدون توجه به جامعه، فرهنگ یا پیچیدگی آن، با موسیقی درگیر و همراه هستند. از نظر مریام موسیقی وسیله‌ای است که نقش و کارکردهای گوناگونی در هر جامعه‌ای دارد. آیا می‌توان موسیقی را یک زبان جهانی دانست؟ همه ما نمی‌توانیم به یک زبان با یکدیگر سخن بگوییم و همه ما متعلق به یک فرهنگ نیستیم. موسیقی در هر قومی در واژگان فرهنگی خودش شکل می‌گیرد. با این وصف می‌توان گفت موسیقی نمایشی برای ارتباط عام و همگانی است و نه یک زبان عام و همگانی (فاطمی، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

بنابر الگوی مریام باید گفت که رفتارهای فیزیکی عاشیق‌ها یعنی چگونگی استفاده از دست‌ها، لب‌ها و انگشتان در فنون نوازندگی آنان مشهود است. رفتارهای اجتماعی در رابطه با موقعیت اجتماعی موسیقیدان قابل بررسی هستند. در آذربایجان عاشیق‌ها از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار هستند. آنها به واسطه هنر ساز زنی و ویژگی‌های شعر عاشیقی به قلب مردم به ویژه روستائیان راه یافته‌اند. عاشیق با طبقات زحمتکش و کشاورز روستاها

بیشتر مانوس است. حضور عاشیق‌ها در مجالس شادی، عزا و قهوه‌خانه‌ها نشانگر نقش ویژه آنها است. همچنین آنها حکم نوعی ضمانت اجرایی برای تداوم آیین‌ها و پاسداشت اخلاق و زنده نگه داشتن ادبیات شفاهی را دارند (همان).

بر اساس آثار مکتوب به جامانده آغاز هنر عاشیقی مربوط به قرن ۱۰ هجری قمری و آغاز نهضت ادبی شاه اسماعیل خطایی و شروع دوره صفوی است. با نگاهی به اشعار عاشیق‌های دوره‌های مختلف می‌توان گفت حادثه، واقعه موضوع و مطلبی از زندگی اجتماعی و حیات جمعی مردم آذربایجان نیست که صدا و انعکاس آن در شعر عاشیق‌ها موجود نباشد. صدای عاشیق‌ها را با این ویژگی باید ترجمان آمال مردم خواند. قابلیت حفظ اشعار آنها و نزدیک بودن یا عین زندگی بودن اشعار عاشیق‌ها ویژگی است که باعث ماندگاری این هنر شده و منزلت عاشیق‌ها را در بین مردم سبب ساز گشته است (زاهدی: ۱۳۹۰).

مفهوم‌سازی، رفتار آموزشی (نحوه آموزش موسیقی در یک جامعه) یا شیوه انتقال دانش موسیقایی و ملودی‌ها و آهنگ‌ها از نسلی به نسل دیگر است (فاطمی، ۱۳۷۸: ۱۴۳). هنر عاشیقی از طریق استاد شاگردی نسل به نسل منتقل می‌شود.

چاشنی اصلی داستان‌های عاشیقی عشق است و قهرمانان داستان سمبل جامعه و فریادگر مبارزات توده‌های مردم برعلیه ظلم و ستم فئودال‌ها و اربابان هستند و علیه زورگوئی‌ها و بیدادگری‌های آنها برخاسته‌اند. همواره به تلاش عاشیق در راه وصال به معشوقه نیز پرداخته می‌شود. قهرمانان داستان‌های عاشیقی خود نیز عموماً عاشیق هستند حتی اگر شاه اسماعیل، شاه عباس و یا هر کس دیگری باشد. آنها شمشیر و ساز را با هم دارند. در جایی شمشیر به کار می‌برند و در جایی با ساز روی سینه اشعار نغزی می‌خوانند. منصفان اصلی این اشعار شناخته نیستند اما در بند آخر نام قهرمان داستان مثلاً کوراوغلی یا کرم به عنوان تخلص آورده می‌شود. هنر عاشیقی از تأثیر مذهب برکنار نبوده است مثلاً در همه داستان‌های عاشیقی قهرمان داستان، حضرت علی (ع) را در خواب می‌بیند و جامی را از دست او می‌گیرد و می‌نوشد و حضرت تصویر معشوقه و مکان وی را به او نشان می‌دهد. البته معشوقه نیز خواب مشابهی را می‌بیند و مهر عاشق را بدل می‌گیرد. به این ترتیب عشق در این داستان‌ها جنبه‌ی تقدس به خود می‌گیرد. عاشیق علی عسگر می‌گوید

آشیق اولوب ترک وطن اولانین	کسی که عاشق شده ترک وطن می‌کند
ازل با شران پرکمالی گرکدیر	از ابتدا باید پرکمال باشد
اوتوروب، دورماتدا، ادبین بیله	در نشست و برخاست بادب باشد
معرفت علمینده، دولوگرکدیر	از علم و معرفت مالا مال باشد
خالقا حقیقتدن مطلب یاندیرا	به مردم از حقیقت سخن بگوید
شیطانی اولدوره، نفسین یاندیرا	نفس بسوزاند و شیطان بکشد
اثل ایچینده پاک اوتورا، پاک دورا	به پاکی و صفا مشهور باشد
دالیسینجا خوش صدا لی گرکدیر	به پشت سر نام نیکش بیاید

(سفیدگر، ۱۳۸۰: ۹۲ و ۹۳)

تأثیر فولکلور بر هنر و ادبیات عاشیقی

فولکلور دانشی است که با علوم مختلف زیادی ارتباط تنگاتنگی دارد و با رویکردهای متفاوتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر آنچه مکتوب نباشد و حافظه جمعی آن را حفظ کند به ادبیات نانوشته تعلق دارد (الیاده، ۱۳۶۵: ۶۸۶). فولکلور سیمای مادی و معنوی هر قوم و ملتی را نشان می‌دهد و در آن موجودیت، تاریخ، زبان، آداب و رسوم، باورها و بسیاری از عادات مردم را می‌توان دید و با شناخت آنها به شیوه زندگی و اندیشه آن قوم راه یافت.

هر قومی ویژگی‌های خاص فرهنگی خود را دارد که با آن ویژگی‌ها شناخته می‌شوند. به تصریح جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، مورخان، فرهنگ‌شناسان و دیرین‌شناسان شناخت فولکلور یک جامعه، مبانی اصلی در تبیین و تشریح ماهیت و موقعیت فرهنگ است. فولکلور پل ارتباطی دوسویه‌ای است که وابستگی‌های درون فرهنگ و انسجام فرهنگی جوامع را استحکام می‌بخشد و تضمین می‌کند. فولکلور ارزش‌ها را در قالب داستان‌ها، افسانه‌ها، مثل‌ها و شعرهای مردمی رواج می‌دهد که عشق به میهن، وابستگی به زادگاه، ایل و طایفه، طبیعت‌گرایی، احترام به تلاش، احترام به بزرگترها، خیرخواهی، صداقت در امانت و وفاداری را بازگو می‌کنند. یکی از تاثیرگذارترین نموده‌های هنر عاشیقی را در ادبیات شفاهی آذربایجان می‌توان یافت، در آذربایجان این نوع ادبیات شفاهی به خلق ادبیاتی معروف است که با ادبیات عامیانه و فولکلور همسان است (خلیل‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۹).

فولکلور آذربایجان با وجود دیرینه بودن با محدودیت منابع مکتوب و اسناد روبه‌رو است و این محدودیت باعث می‌شود که زوایای فولکلور بر محققان و مردم ناشناخته باقی بماند. اعظمی از مواد فولکلوریک در ادبیات شفاهی محفوظ است. ادبیات شفاهی قصه‌ها، ترانه‌ها، عادات، لالایی‌ها، مثل‌ها، چیستان‌ها، سخنان حکیمانه، بازی‌های کلامی، ضرب‌المثل‌های یک قوم و یک فرهنگ است. هنر عاشیقی به دلیل پیشینه و جایگاه اجتماعی خود منبعی مهم در بازشناخت تأثیر فولکلور و در نتیجه مورد توجه پژوهشگران است. داستان‌های عامیانه از محکم‌ترین عوامل ارتباطی میان نسل‌ها محسوب می‌شوند. فولکلور خاص جوامع روستایی و عشیره‌ای نیست.

برای بازشناخت فولکلور، شناخت داستان‌ها، شخصیت‌ها، فضا و عناصر داستان‌های شفاهی ضروری است. هنر عاشیقی با داستان‌سازی و داستان‌گویی ارتباط می‌یابد. داستان‌ها با تاریخ قوم ترک آمیخته، در حافظه مردم زیسته و از زبانی به زبان دیگر انتقال یافته است. عاشیق‌ها داستان‌ها ساخته‌اند و آن را برای مردم نقل کرده‌اند و در هر نقلی چیزی به آن افزوده‌اند و آن را در طول تاریخ پیرایش کرده‌اند تا شکل عامه پسند بیابد. در گذشته‌های دور مردم با هر بار شنیدن آن داستان تقاضا برای باز شنیدنش را در وجود خود احساس کرده‌اند که این نیز از ویژگی‌های هنر عاشیقی آذربایجان است. این منظومه‌های تغزلی حکایت از ناکامی‌ها و وضعیت تراژدیک حاصل از عشق دارد که عاشق را برای وصل به کوه و بیابان می‌کشاند و عاقبت عاقبت چنگ به دست، شاعری و آوازخوانی پیشه می‌کند و وصف حال هجران خود را به زبان می‌آورد (کاظمی جویباری، ۱۳۷۷: ۱۲۲).

جواد هئیت پژوهشگر فرهنگ و فولکلور آذربایجان برای شعر عاشیقی این ویژگی‌ها را قائل می‌شود: ”عاشیق‌ها عموماً شعرهای خود را با اوزان هجائی سروده‌اند. زبان شعری آنها سلیس و نسبتاً ترکی خالص است. عاشیق‌ها شعر و موسیقی را یک اثر واحد می‌دانند و هنگام سرودن شعر، آهنگ آن را نیز می‌سازند“ (حسینی نثار، ۱۳۷۹: ۶۴). داستان آلپ ارتونقا افراسیاب، داستان اوغوز، بوزقورد (گرگ خاکستری) از داستان‌های پیش از اسلام است و بعد از پذیرش اسلام با داستان‌هایی چون دده قورقود، کوراوغلو، اصلی و کرم و ... شهرت می‌یابند. همان گونه که گفته شد. داستان‌های عاشیق‌های آذربایجان را باید در دو گونه‌ی ویژه جای داد: داستان‌های حماسی مانند دده قورقود، قاچاق نبی، کورا اوغلو و شاه اسماعیل یا داستان‌های قهرمانی ایگیدلیق و داستان‌های غنائی یا محبت‌دستانی مانند اصلی و کرم، عباس و گولگز، عاشیق غریب و شاه صنم، طاهره و زهره. در داستان‌های حماسی عاشیق آذربایجان دلیری‌ها و پیکارهای قهرمانان قوم را در مقابل زورگویان تاریخ و آرزوهای آنها را نقل می‌کند. این نوع داستان برای جذاب بودن با عشق آمیخته می‌شود و رنگ صمیمی‌تری می‌گیرد. داستان‌های غنائی مملو از عاطفه، محبت، عشق، دلدادگی، دربه‌دربی، شیفتگی و حسرت هستند. عشق در این داستان‌ها بسیار مقدس است و عاشیق برای پیوستن به معشوق مشکلات را به جان می‌خورد و حتی در راه وصال یار از مرگ نیز نمی‌هراسد و به عاشق حق (حق عاشیقی) ملقب می‌شود.

بررسی تاریخ عاشیق‌ها مؤید این نکته است که اوج خلاقیت‌های ادبی عاشیق‌ها با دوره اقتدار صفویه گره خورده است و تکامل هنر عاشیقی بعد از آن دوره صورت می‌گیرد. پیشینیان عاشیق‌های امروز همراه ترک‌ها به آذربایجان آمدند. آنها اغلب جز ملتزمان فرمانروا بودند. شاه صفوی (۱۵۲۴-۱۵۰۱) چنان شیفته موسیقی عاشیقی بود که خود به فراگیری آن پرداخت و ترانه‌هایی درباره مذهب شیعه ساخت که خود آن را مذهب رسمی کشور اعلام کرده بود (البرایت، ۱۶۵: ۱۳۸). اصالت تاریخی هنر عاشیقی با اسطوره‌های غنی و کهن آذربایجان و حماسه‌های فراموش ناشدنی مردم این خطه پیوند دارد که شاهد مثال آن، حماسه بی‌نظیر دده قورقود این پیر خنیاگر قوم اوغوز است که حضورش به داستان‌ها معنا می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های تاریخی درباره عاشیق‌ها نشانگر اهمیت این پدیده و معنای هماهنگ آن با فرهنگ ملی و مذهبی است. ویژگی مهم هنر عاشیقی در مردمی بودن آن است، به این معنا که هنر عاشیقی خاستگاه مردمی دارد و همراه شادی‌ها و غم‌های مردم به وجود آمده، رشد کرده و از گذشته‌های دور تا کنون به صورت شفاهی نقل شده و باقی مانده است.

بی‌تردید گنجینه هنر موسیقی مردمی، بخش بسیار مهم حیات معنوی هر ملتی است. هنر عاشیقی که از پدران و اجداد قوم‌های ترک زبان به نسل حاضر به ارث رسیده، سرشار از معنویت، جسارت، محبت و عاطفه است و به دلیل ویژگی‌هایی که محور آنها

انسان، زندگی اجتماعی و معنویات است، در تمامی مناطق آذربایجان گسترده شده است. یکی از میراث هنری آذربایجان اشعار و موسیقی فولکلوریک عاشیقی است. ویژگی اساسی شعر عاشیقی، بدیهه‌سرایی است (بعضی از گونه‌های عاشیقی مانند دئیشمه (مناظره دو عاشیق با زبان شعر و موسیقی) بدون بدیهه‌سرایی ممکن نیست). یعنی ضمن ایفا کردن نقش خلق می‌کنند و ضمن خلق کردن به ایفای نقش می‌پردازند. آفرینش عاشیقی بدون نوشته و کتابت بوده و به مردم وابسته است و ادبیات آن کاملاً فولکلوریک است. ویژگی دیگر این اشعار ارتباط دو سویه آنها با فرهنگ شفاهی است.

از یک سو عاشیق هنگام سرودن از آثار غنی و سرشار فولکلوریک بیش از خود بهره می‌جوید و از دیگر سو اشعار عاشیق‌ها پس از سروده شدن دهن به دهن میان مردم می‌گردد و پس از مدتی بخشی از فولکلور می‌شود (مثلاً بایاتی‌های زیادی به خانواده اختصاص یافته است مانند چگونگی همسرگزینی، روابط والدین با فرزندان و ...

عاشیق‌ها چه آنگاه که در لباس شامان‌ها و قام‌ها پناهگاه مردم بودند، چه آن زمان که در کسوت اوزان‌ها و قوسان‌ها گره از مشکلات ایل می‌گشودند، چه امروز که راویان فرهنگ و گنجینه کهن هستند، همواره همراه با مردم بوده‌اند و آفرینششان جنبه مردمی داشته است، هم از این رو ناب‌ترین و اصیل‌ترین نمونه‌های ادبی را می‌توان در فرهنگ و ادبیات عاشیق‌ها یافت. فرهنگ و ادبیات عاشیقی آذربایجان در هر دوره، آینه تمام‌نمای جامعه و عصر خویش بوده است.

منابع

- استراس، آنسلم و توربین بولیت (۱۳۸۵). *اصول و روش تحقیق کیفی*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- پناهی سمنانی، محمد احمد (۱۳۸۳). *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران*، تهران نشر سروش.
- حجاریان، محسن (۱۳۸۷). «اتنوموزیکولوژی»، *فصل‌نامه هنر*، شماره ۲۹.
- حسینی نثار، حسین (۱۳۷۹). «ادبیات عاشقی را دریابیم»، *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، شماره ۳۸، ص ۶۲-۶۷.
- درویشی، محمدرضا و ایمران حیدری (۱۳۷۶). *آواز و آینه*، تهران: ناشر واحد موسیقی حوزه هنرهای سازمان تبلیغات اسلامی.
- رسول‌زاده، میکائیل (۱۳۸۷). *افسانه‌های بزقوش با مختصری در مردم‌شناسی ادبیات فولکلوریک مردم ایران و آذربایجان*، تهران: انتشارات پینار.
- رفیعی، حسن رضا، (۱۳۸۷). *برگ‌هایی از داستان موسیقی ایران*، تهران: انتشارات سوره مهر، مرکز موسیقی حوزه هنری.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۶). «فولکلور شناسی از روش تا معنی»، *فرهنگ مردم ایران*، شماره ۱۰، ص ۱۱.
- ستایشگر، مهدی (۱۳۷۵). *واژه‌نامه موسیقی ایران زمین*، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- سفیدگر شهنقی، حمید (۱۳۸۰). «عاشیق کیست»، *کتاب ماه هنر*، ش ۳۹-۴۰، ص ۹۲-۹۳.
- عزتی، سخاوت (۱۳۸۰). *عاشق لاردان ایشیق لار*، تبریز: انتشارات وفاجو.
- فاطمی، ساسان (۱۳۷۸). «اتنوموزیکولوژی»، *فصل‌نامه هنر*، شماره ۲۹.
- کریم زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۸۱). *یادواره شهر خوی*، لندن: انتشارات مستوفی
- لوئیس، جعفری (۱۳۷۹). *دده قورقود*، ترجمه فریبا عزیدفتری و حریری اکبری، نشر قطره.
- مارکس، انگلس و لنین، گورکی (۱۳۵۹). *ادبیات شفاهی خلق (فولکلور)*، ترجمه‌ی ا.آ. افشار، تهران: نشر چکیده.
- محمد زاده صدیق، حسین (۱۳۴۶). «داستان‌های دده قورقود»، *زبان و ادبیات*، ش ۵۱.
- محمدزاده صدیق، حسین (۱۳۸۲). «گفت و گو و نظرخواهی، ترکی ایرانی سرشار از معارف بلند است (یادماندگار)»، *نشریه معلم*، شماره ۱۷۲.
- محمدزاده صدیق، حسین (۱۳۸۶). *هفت مقاله پیرامون فولکلور و ادبیات مردم آذربایجان*، تهران: انتشارات دنیای دانش.
- محمدی، جلال، (۱۳۷۶). «شهر بومی آذربایجان در یک نما»، *فصل‌نامه شعر*، شماره ۲۱.
- هاشم زاده، سلیمان، (۱۳۷۷). *موسیقی سنتی آذربایجان*، ارومیه: جهاد دانشگاهی ارومیه.
- وجدانی، بهروز (۱۳۷۶). *فرهنگ موسیقی ایران*، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور معاونت معرفی و آموزشی.